

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال سیزدهم، شماره پنجاه و دوم، زمستان ۱۴۰۰، ص ۹۱-۱۲۰

## مقایسه استعاره‌های مفهومی «دنیا» در اشعار سعدی و پروین

ناهید بهمنش\* - دکتر فروغ کاظمی\*\* - دکتر نرگس جابری‌نسب\*\*\*

### چکیده

براساس نظریه استعاره مفهومی، نظام مفهومی در ذهن انسان ماهیتی استعاری دارد و استعاره‌ها ارکان اصلی انتقال مفاهیم انتزاعی هستند. در پژوهش پیش‌رو، مسئله اصلی آن است که «شیوه مفهومی‌سازی استعاری «دنیا» در قصیده‌ها و قطعه‌های سعدی و پروین چگونه است؟». هدف اصلی پژوهش آن است که پی‌بریم مفهومی‌سازی دنیا، دیدگاه غالب این دو شاعر را نسبت به دنیا چگونه بازنمایی می‌کند. پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد. نتایج حاصل از بررسی داده‌ها شامل ۲۲۹ استعاره در حوزه مقصد دنیاست که از قصیده‌ها و قطعه‌های دو شاعر نمونه‌گیری و ارزیابی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد حوزه‌های مبدأ شیء، انسان، ساختمان، سفر، حیوان، دریا، مزرعه، اقتصاد و تجارت و جنگ در اشعار هر دو شاعر بیان شده است. استعاره سرزمین و ملک تنها در

---

\*دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
n\_behmanesh\_2011@yahoo.com

\*\*دانشیار گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
f.kazemi86@yahoo.com

\*\*\*استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
nargesja@azad.ac.ir

تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۷/۱۵

تاریخ وصول ۱۴۰۰/۴/۱۲

اشعار سعدی یافت شد؛ درحالی که حوزه‌های مبدأ باغ، معدن، قصه، جادو، کوه، دیو و اژدها، ورزش، چاه، خیمه و چادر، آتش، غذا، دشت، محکمه‌گاه، صاعقه، مکتب و مدرسه، کندو، گیاه، کمینگاه و ده تنها در اشعار پروین نمود یافته است. سعدی غالباً از حوزه مبدأ شیء، و پروین از حوزه مبدأ انسان برای مفهوم‌سازی دنیا استفاده می‌کند؛ پروین با انسان‌نگاری پدیده دنیا به مجموعه‌ای متنوع از استعاره‌ها دست یافته است که چگونگی درک از دنیا و چگونگی عملکرد نسبت به آن را در چارچوب انگیزه‌ها، ویژگی‌ها و فعالیت‌های انسانی مهیا می‌کند. گفتنی است هر دو شاعر حوزه مبدأ «شیء از دست‌دادنی» را در قصیده و نیز در قطعه به کار گرفته‌اند که می‌تواند مبین آن باشد که ایشان دنیا و متعلقات دنیا را شایسته وابستگی و دلبستگی ندانسته‌اند. در مجموع، با آنکه در اشعار پروین تنوع استعاری بیشتری دیده می‌شود، نگرش و اندیشه‌اش نسبت به مفهوم دنیا هم‌جهت با سعدی است؛ تا آنجا که می‌توان گفت پروین در نگاه به دنیا از سعدی تأثیر پذیرفته است.

## واژه‌های کلیدی

زبان‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، دنیا، قصاید و قطعات سعدی و پروین

### ۱- مقدمه

در میان حوزه‌های مختلف ادبیات، حوزه ادبیات تعلیمی<sup>۱</sup> جایگاه ویژه‌ای دارد. در این شاخه از ادبیات، مقصود اصلی نویسنده یا شاعر به‌طور مشخص ارائه پند و اندرز است. با بررسی آثار ادبی تعلیمی می‌توان پی‌برد که بسیاری از مفاهیم تعلیم و تربیت مطرح در این حوزه انتزاعی هستند و به نظر، استعاره‌ها ارکان اصلی انتقال مفاهیم هستند. در این میان از دیرباز یکی از چالش‌های بیشتر انسان‌ها فلسفه هستی و وجود بوده که با مفهوم «دنیا» درهم تنیده است؛ بدین معنا که «هدف از آفرینش انسان چیست و زندگی دنیوی به چه منظور به وجود آمده است؟»؛ بنابراین اندیشمندان و دغدغه‌مندان اجتماع، شامل نویسندگان و شاعران بزرگ، به‌ویژه در حوزه ادبیات تعلیمی معمولاً در بخش‌هایی

از آثار خود به مفهوم «دنیا» پرداخته‌اند.

براساس نظریه استعاره مفهومی<sup>۲</sup> که لیکاف و جانسون در سال ۱۹۸۰ ارائه دادند؛ استعاره<sup>۳</sup> الگویی شناختی است و بخشی از تفکر به شمار می‌رود. جرج لیکاف<sup>۴</sup> (۱۹۹۳) معتقد است استعاره ابزار تفکر و جهان‌بینی است و درحقیقت استعاره‌ها به ذهن و زبان سازمان می‌بخشند؛ به‌صورتی که بخشی از دانش شناختی انسان را در ضمیر ناخودآگاه ترسیم می‌کنند. به بیانی دیگر، نظام مفهومی در ذهن انسان ماهیتی استعاری دارد و مفهوم‌سازی در آن براساس استعاره شکل می‌گیرد. در این دیدگاه استعاره سازوکاری برای مفهوم‌سازی معرفی شده است که هم در زبان ادب و هم در زبان روزمره جاری است. بر این اساس، استعاره‌ها حاصل الگوهای شناختی در ذهن هستند و استعاره اصلی‌ترین ابزار در زبان‌شناسی شناختی برای پژوهش است.

در میان نویسندگان و شاعران ایرانی، سعدی و پروین اعتصامی از شاعران پرآوازه در حوزه ادبیات تعلیمی هستند که در اشعار خود به تبیین مفهوم «دنیا» پرداخته‌اند. از آنجاکه مفهوم «دنیا» یک مفهوم انتزاعی است، مانند سایر مفاهیم ذهنی، استعاره‌ها در مفهوم‌سازی آن نقش اساسی دارند؛ بنابراین مطالعه حاضر می‌تواند چگونگی مفهوم‌سازی «دنیا» از دید این دو شاعر را برای پژوهشگران حوزه‌های زبان‌شناسی، ادبیات، علوم تربیتی و روانشناسی، فلسفه و سایر علاقه‌مندان روشن کند و بدین لحاظ دارای اهمیت است. هدف از این پژوهش، درک چگونگی مفهوم‌سازی «دنیا» در اشعار این دو شاعر، با تمرکز بر قصیده‌ها و قطعه‌های آنان است.

### ۱-۱ بیان مسئله و مبانی نظری

از دهه ۱۹۷۰ میلادی برپایه توجه ویژه زبان‌شناسان و اندیشمندانی مانند لیکاف، لانگاکر<sup>۵</sup> و تالمی<sup>۶</sup> به مبحث شناخت و زبان، شاخه زبان‌شناسی شناختی با هدف بازنمایی ساختار مفهومی شکل گرفت (ایوانز و همکاران، ۲۰۰۷: ۶۹). به اعتقاد زبان‌شناسان شناختی بنیاد مطالعات زبانی باید با توجه به قوای شناختی انسان و براساس معنی باشد تا یافته‌ها واقعیتی روان‌شناختی داشته باشند. به اعتقاد زبان‌شناسان شناختی، ساختار نظام‌مند زبان می‌تواند ساختار اندیشه را منعکس کند (تالمی، ۲۰۰۰: ۵۴۱)؛

بنابراین زبان‌شناسان شناختی دربارهٔ زبان و شیوهٔ بازتاب شناخت در زبان فرضیه‌پردازی می‌کنند. به اعتقاد گیرارتس<sup>۷</sup> (۲۰۰۶) مهم‌ترین اصل زبان‌شناسی شناختی آن است که زبان چیزی به جز معنی نیست. او می‌گوید در سایر رویکردهای زبان‌شناسی برای نحو، صرف و واج‌شناسی حوزه در نظر می‌گیرند و اعتقاد بر این است که قواعد هر حوزه از حوزهٔ دیگر مجزاست؛ اما در دیدگاه شناختی، معنی و مفهوم‌سازی بخش بسیار مهمی است که در سایر بخش‌های زبان شامل نحو، صرف و واج‌شناسی وجود دارد.

مطالعات زبان‌شناسی شناختی را به‌طور کل می‌توان به دو بخش اساسی تقسیم کرد: معنی‌شناسی شناختی<sup>۸</sup> و دستورشناختی<sup>۹</sup>. معنی‌شناسی شناختی با مفهوم‌سازی و ساختار مفهومی سروکار دارد؛ بدین معنی که برای معنی‌شناسان شناختی هدف از مطالعهٔ معنی زبانی، درک ماهیت نظام مفهومی ذهن انسان است (لیکاف، ۱۹۹۳). بحث استعاره از اساسی‌ترین بخش‌های مطالعات معنی‌شناسی شناختی است.

استعاره در زبان‌شناسی شناختی، ابزار و شاهدی برای بررسی رفتارهای زبانی و چگونگی اندیشیدن دربارهٔ جهان خارج است (لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳). لیکاف و جانسون<sup>۱۰</sup> در کتاب *استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم*<sup>۱۱</sup> در سال ۱۹۸۰، برای نخستین‌بار تحلیلی شناختی از استعاره ارائه دادند که نظریهٔ استعارهٔ مفهومی<sup>۱۲</sup> نام گرفت. طبق این نظریه، فهم هر حوزهٔ مفهومی در ذهن براساس حوزهٔ مفهومی دیگر صورت می‌پذیرد. لیکاف و جانسون (۱۳۹۵) در کتاب خود با ذکر تعداد بسیاری از مفاهیم نشان دادند که در استعاره شباهت میان قلمرو مبدأ و مقصد ضرورت ندارد و در واقع ریشه‌های تجربی و فرهنگی حاکم بر ذهن هستند که باعث انتخاب یک حوزه برای حوزهٔ دیگر و ایجاد ارتباط میان دو مفهوم می‌شود؛ برای مثال انگلیسی‌زبانان و فارسی‌زبانان با استعارهٔ مفهومی ذهنی «بحث جنگ است» می‌توانند حوزهٔ مفهومی بحث‌کردن را برپایهٔ جنگ‌کردن درک کنند و جمله‌های بیشماری را بر این اساس تولید کنند. در اینجا باید توجه کرد که مفهوم با حوزهٔ مفهومی تفاوت دارد؛ برای مثال پرنده یک مفهوم است؛ اما پریدن، کوچ‌کردن و غیره حوزهٔ مفهومی به شمار می‌روند. به نظر لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) نظام مفهومی انسان، نظامی پیچیده است که بنیاد آن برپایهٔ تعامل و کسب

تجربه‌های جسمی شده قرار دارد.

لیکاف و جانسون (۱۹۹۹) در کتاب مشترک دیگری با عنوان *فلسفه جسمانی*<sup>۱۳</sup> اشاره کرده‌اند که زبان وسیله‌ای برای مقوله‌بندی جهان به شیوه استعاری است؛ به گونه‌ای که می‌توان به کمک زبان مفاهیم انتزاعی را بیان کرد. آنان مفاهیم استعاری را در حکم روش‌هایی می‌دانند که یک تجربه را در چارچوب تجربه دیگر ساختار می‌دهند. از آنجاکه تجربه ما از جهان اطراف وابسته به فرهنگی است که بدان تعلق داریم، بنابراین مفهوم‌سازی نیز موضوعی است که به فرهنگ ارتباط دارد (همان). برای نمونه «زمان» در فرهنگ جوامع انگلیسی و فارسی کالایی باارزش تلقی می‌شود؛ بنابراین استعاره‌هایی مانند «زمان پول است» و «وقت طلاست»، در این فرهنگ‌ها وجود دارد؛ در حالی که در سایر جوامعی که «زمان» را کالایی باارزش نمی‌دانند، چنین استعاره‌هایی کاربرد ندارد (لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳). استعاره‌ها امور انتزاعی و ذهنی را عینیّت می‌بخشند؛ پس یکی از بهترین ابزارهای کشف معنا هستند؛ زیرا با بررسی استعاره‌ها برخی از امور و مفاهیم ناپیدا آشکار می‌شود.

مطابق با نظریه استعاره مفهومی، هر استعاره دارای دو حوزه یا دو نگاهت متناظر با هم است: حوزه مبدأ و حوزه مقصد. مفاهیم ملموس و عینی که با تجربه‌های جسمی و زیستی انسان مرتبط هستند، حوزه مبدأ نام دارند. مفاهیم انتزاعی و ذهنی که درک آن‌ها به‌طور معمول مشکل است و بنابراین با حوزه‌های مبدأ مفهوم‌سازی می‌شوند، حوزه مقصد نام دارند. در این نظریه، استعاره نگاهت سازمان‌یافته از حوزه مبدأ به حوزه مقصد است که با صورت‌بندی «حوزه مقصد، حوزه مبدأ است» بیان می‌شود؛ برای مثال وقتی می‌گوییم «زندگی سفر است»، درک حوزه زندگی برپایه حوزه سفر امکان‌پذیر می‌شود؛ بدین معنا که «زندگی» مانند یک «سفر» مقدماتی لازم دارد و دشواری‌ها، موانع، شیرینی‌ها و تجارب خاص خود را داراست. در واقع «زندگی» و «سفر» به‌نوعی در زبان، و در اصل در ذهن با هم شبیه‌سازی می‌شوند و با ایجاد رابطه بین آنها مفهوم انتزاعی «زندگی» درک خواهد شد (لیکاف، ۱۹۹۳).

برای همه استعاره‌ها می‌توان یک حوزه مبدأ و یک حوزه مقصد مشخص کرد. حوزه

مبدأ معمولاً عینی تر، ملموس تر و تجربی تر؛ اما حوزه مقصد، ذهنی تر و انتزاعی تر است (لی، ۲۰۰۱: ۶). به اعتقاد لیکاف و جانسون حوزه‌های مبدأ می‌توانند شامل جهت‌های فیزیکی، اشیا، مواد، ادراک، سفر، جنگ، دیوانگی، غذا، ساختمان و نظایر آن باشد. حوزه‌های مقصد هم شامل عشق، زمان، ایده‌ها، بحث‌ها، کار، شادی، سلامتی، تسلط، جایگاه، اصول اخلاقی و نظایر آن است (لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳: ۱۱۸).

مفهوم «دنیا» یک مفهوم انتزاعی و ذهنی است. این مفهوم گاه به‌طور صریح و گاه با مفاهیم مترادف خود مانند جهان، گیتی، روزگار، زمانه، دهر، ایام، عالم، خاکدان، سپهر و فلک در اشعار تجلی یافته است؛ مانند این مصرع از سعدی که می‌گوید: «دنیا مثل بحر عمیق است پر نهنگ» (سعدی، ۱۳۸۱: ۸۱۰) و یا این بیت از پروین که می‌گوید: «از دل سفینه باید و از دیده ناخدای / در بحر روزگار که کنه و کران نداشت» (پروین، ۱۳۹۶: ۵۵) که در آن استعاره مفهومی «دنیا به‌مثابه بحر است»، دنیا را به‌واسطه مفهوم دریا سازمان می‌دهد. همان‌گونه که دریا ژرف و عمیق و ناشناخته است، دنیا نیز لایتناهی و بی‌متهاست. همان‌گونه که دریا پرمخاطره است و در آن خطر غرق‌شدن، خطر حمله حیوانات عظیم‌الجثه و سایر آن وجود دارد، دنیا نیز پرمخاطره است و باید راهبردهایی را طراحی کرد و به کار گرفت تا از غرق‌شدن در آن نجات یافت. گاهی نیز درک آن براساس معنای بافتی امکان‌پذیر می‌شود؛ مانند بیتی از سعدی که می‌گوید: «سرای آخرت آباد کن به حسن عمل / که اعتماد بقا را نشاید این بنیان» (سعدی، ۱۳۸۱: ۷۹۲) که با توجه به مصرع نخست می‌توان پی‌برد مصرع دوم اشاره به مفهوم «دنیا» دارد. درواقع استعاره مفهومی «دنیا به‌مثابه ساختمان است»، دنیا را با مفهوم ساختمان سازمان می‌دهد و با اشاره به ویژگی فناپذیری و سستی، تزلزل آن را در ذهن تداعی می‌کند تا مخاطب پی‌برد برای آسایش در دنیای پس از مرگ باید هرچه سریع‌تر بکوشد و اعمال نیکو انجام دهد.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که با بررسی شیوه مفهوم‌سازی استعاری «دنیا» در قصیده‌ها و قطعه‌های سعدی و پروین، چگونگی تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها مشخص شود. این پژوهش با بررسی استعاره‌های مفهومی با حوزه مقصد «دنیا» در قصیده‌ها و قطعات سعدی و پروین در پی یافتن پاسخ به این پرسش‌هاست: الف) استعاره‌های

مفهومی با حوزه مقصد «دنیا» در اشعار سعدی و پروین غالباً با چه حوزه‌های مبدایی بیان شده‌اند تا با این بررسی‌ها دریابیم هرکدام از چه حوزه‌هایی مبدایی و با چه میزان و بسامدی برای مفهوم‌سازی «دنیا» بهره‌جسته‌اند؟ نیز به این نکته پی ببریم که «آیا این دو شاعر در این حوزه دارای اشتراک هستند یا تفاوت‌های چشمگیری دارند؟» (ب) مفهوم‌سازی «دنیا» - براساس آنکه گفته می‌شود هر دو شاعر پیرو سبک تعلیمی هستند - دیدگاه غالب این دو شاعر نسبت به دنیا را چگونه بازنمایی می‌کند؟ در این باره نیز تلاش بر این است که با بررسی استعاره‌های دنیا نشان دهیم آیا دیدگاه پروین نسبت به دنیا می‌تواند متأثر از نگرش سعدی باشد؟

### ۲-۱ روش پژوهش

این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. برای یافتن پاسخ پرسش‌ها، پس از ذکر پیشینه پژوهش، ابتدا دیدگاه شناختی لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) درباره استعاره‌ها مطالعه و سپس براساس مفاهیم این دیدگاه، به بررسی و قیاس مفهوم «دنیا» در قالب‌های شعری قصیده و قطعه در دیوان سعدی و پروین اعتصامی پرداخته می‌شود. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای است و با یادداشت‌برداری از کلیات سعدی (۱۳۸۱) و دیوان پروین اعتصامی (۱۳۹۶) به انجام رسیده است. برای کشف استعاره‌های «دنیا»، با مطالعه عمیق متن و درک آن تلاش شد هر دو دسته از نگاشت‌های استعاری صریح و بافتی از متن استخراج و سپس به مقایسه کمی و کیفی و تحلیل آن‌ها پرداخته شود. گفتنی است برخی بیت‌ها بیش از یک استعاره مفهومی از دنیا را شامل می‌شوند و به همین علت در استعاره‌های مفهومی مرتبط تکرار شده‌اند.

کلیات سعدی شامل ۱۴۶۴ بیت قصیده و ۶۰۲ بیت قطعه و دیوان پروین شامل ۱۶۳۲ بیت قصیده و ۱۶۹۸ بیت قطعه است؛ بنابراین بر مبنای سروده‌های موجود، نخست برای هر شاعر به حجم مساوی ۱۲۰۰ بیت قصیده و ۶۰۰ بیت قطعه در نظر گرفته شد؛ سپس برای انجام روش نمونه‌گیری تصادفی در قصیده‌ها، از یک‌سوم اول و یک‌سوم آخر هرکدام، ۴۰۰ بیت و در قطعه‌ها نیز به همین ترتیب، از یک‌سوم اول و یک‌سوم آخر هرکدام، ۲۰۰ بیت برای هر شاعر انتخاب و برای انجام تحلیل‌ها در کل پیکره، ۱۶۰۰

بیت قصیده و ۸۰۰ بیت قطعه استفاده می‌شود. تعدادی از بیت‌ها و استعاره‌های آن‌ها برای نمونه تحلیل بیان شده است؛ اما بقیه داده‌های تحلیل شده، فهرست‌وار با جدول و نمودار ارائه شده است.

### ۳-۱ پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی درباره استعاره‌های مفهومی براساس نظریه معاصر استعاره در دهه اخیر در ایران انجام شده است که تعداد توجه‌برانگیزی از آن‌ها به بررسی یک مفهوم مشخص در یک اثر خاص پرداخته‌اند؛ اما تاکنون درباره مقایسه مفهوم «دنیا» در اشعار سعدی و پروین اعتصامی پژوهشی صورت نگرفته است.

پژوهش گرجی و صارمی (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی استعاره مفهومی "رفتن" در شعر قیصر امین‌پور برپایه معناشناسی شناختی» از آن جمله است که محققان با بررسی استعاره‌های مفهومی «رفتن» به تبیین جایگاه «زندگی سفر است» در اشعار وی پرداخته‌اند. استوار نامقی (۱۳۹۵) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی مشترک رباعیات خیام و طلاس ابوماضی» کوشیده است براساس نظریه استعاره‌های مفهومی، استعاره‌های مشترک رباعیات خیام و طلاس ابوماضی را بررسی و تحلیل کند. نتیجه پژوهش یادشده بیانگر آن است که نگرش‌های ابوماضی در طلاس نشان‌دهنده نوعی بینامتنیت و بازتاب گفتمان فلسفی خیام است. پژوهش یادشده از نظر انتخاب مطالعه تطبیقی برای اشعار دو شاعر دارای سبک مشابه، با پژوهش حاضر مشابهت دارد. پژوهش مراد و حسونند (۱۳۹۶) با عنوان «کاربرد استعاره دنیا در شعر پروین با رویکرد شناختی» پژوهش دیگری است که از نظر مفهوم استعاره و شاعر مدنظر با پژوهش حاضر شباهت دارد. این محققان با بررسی استعاره‌های دنیا در اشعار پروین، محور اندیشه او را دنیاستیزی یافته‌اند.

برخی پژوهش‌ها نیز براساس نظریه معاصر استعاره صورت گرفته است تا به بازنمایی تفکر غالب نویسنده و شاعران دیگر بینجامد؛ برای نمونه در پژوهش خراسانی و غلامحسین‌زاده (۱۳۹۷) تلاش شده است به بررسی استعاره‌های شناختی در دیوان قصاید ناصر خسرو پرداخته شود. این محققان نتیجه گرفته‌اند که ناصر خسرو بیشتر مفاهیم ذهنی



و فلسفی خود را در قالب استعاره‌های مفهومی بیان کرده است که موجب بالا بردن درجه ادبی کلام او شده است.

در پژوهش حاضر همچنین به برخی از مطالعات جدید در حوزه استعاره مفهومی توجه شد که بر یک مفهوم مشخص در یک اثر خاص تمرکز داشته‌اند؛ برای نمونه می‌توان به مطالعه صبوری و ذبیح‌نیا عمران (۱۳۹۷) با عنوان «بررسی مفهوم‌سازی‌های "چشم" در غزلیات حافظ از دیدگاه شناختی» اشاره کرد. براساس یافته‌های این پژوهش، «چشم» در غزلیات حافظ، مفهومی انتزاعی در حوزه مقصد است که با مفاهیم عینی‌تری مانند انسان، ظرف و شیء (حوزه مبدأ) مفهوم‌سازی شده است. در مطالعه طالبیان و سیدکاشانی (۱۳۹۸) با عنوان «بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی "دایره" در دیوان شمس مولانا و اشعار جان دان» محققان کوشیده‌اند خاستگاه و علل ظهور استعاره «عشق دایره‌وار است» را در شعر دو شاعر یادشده بیابند. آنان نتیجه گرفته‌اند که شباهت‌های فرهنگی دین‌مدارانه دو شاعر، علت این ظهور است. عبیدی و رومیانی (۱۳۹۸) نیز در مطالعه خود تحت عنوان «استعاره مفهومی "عشق" در آثار نظامی» با هدف کشف دیدگاه نظامی درباره عشق، به بررسی استعاره‌های کانونی و اصلی عشق در مثنوی پرداخته‌اند. مطالعه «نقش نور در مفهوم‌سازی عشق در غزلیات حافظ» از کارگر و همکاران (۱۳۹۹) مطالعه دیگری است که در آن تلاش شده ارتباط مقوله انتزاعی عشق با مفهومی عینی نور بررسی و تحلیل شود. محققان پژوهش یادشده با توجه به ارتباط گسترده دو قلمرو عشق و نور در غزلیات حافظ نتیجه گرفته‌اند که او عشق را روشنگر می‌داند.

براساس بررسی‌های به عمل آمده، در میان مطالعات خارجی نیز مطالعه مشابهی درباره مفهوم‌سازی «دنیا» یافت نشد. تعدادی از این مطالعات مانند مطالعه کووچش<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۹) به بررسی نقش و کارکرد استعاره در اشعار پرداخته‌اند. نمونه دیگر مطالعه یانگ<sup>۱۵</sup> (۲۰۱۵) است که براساس رویکرد شناختی، به تحلیل دو متن شعری پرداخته است. برپایه نتیجه او، کارکرد استعاره شعری، کارکرد بلاغی است؛ زیرا به‌طور هم‌زمان دارای ویژگی‌های رسایی و فشرده‌سازی است و عملکردهای شناختی و زیبایی‌شناختی استعاره شعری باعث انتقال حقیقت و زیبایی می‌شود. از دیگر مطالعات خارجی می‌توان از

مطالعه الامین<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۷) یاد کرد که به نحوه مفهوم‌سازی «عشق» در اشعار الصباح، شاعر کویتی، پرداخته است؛ مفید<sup>۱۷</sup> (۲۰۲۰) نیز استعاره‌های مفهومی «زمان» را در غزلیات شکسپیر از دیدگاه شناختی بررسی کرده است. درکل پس از مطالعه و مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی، ضرورت انجام مطالعه درباره چگونگی مفهوم‌سازی «دنیا» به‌ویژه در آثار شاعران دارای سبک تعلیمی دیده می‌شود.

## ۲- پیکره پژوهش و تحلیل داده‌ها

### ۲-۱ نمونه‌هایی از حوزه‌های مبدأ «دنیا» در قصیده‌ها و قطعه‌های سعدی

دل میند ای حکیم بر دنیا      که نه چیزست جاه مختصرش  
(سعدی، ۱۳۸۱: ۸۹۵)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه شیء است.

حوزه مبدأ: شیء بی‌ارزش (شیء)

جهان نماند و خرم روان آدمیی      که بازماند ازو در جهان به نیکی یاد  
(همان: ۷۵۷)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه شیء است.

حوزه مبدأ: شیء فانی و ازبین‌رفتنی (شیء)

در بیت بالا دنیا مانند شیء فانی و بی‌دوام و ازبین‌رفتنی مفهوم‌سازی شده است که انسان پس از مرگ، آن را از دست خواهد داد.

جفا مکن که نماند جهان و هرچه دروست      وفا و صحبت یاران مهربان ماند  
(همان: ۷۶۴)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه شیء است.

حوزه مبدأ: شیء ظرف (شیء)

در بیت‌های بالا دنیا مانند شیء مفهوم‌سازی شده است. این شیء، هم نابودشدنی است و هم محتویات درون خود را از بین می‌برد.

دوام پرورش اندر کنار مادر دهر      طمع مکن که درو بوی مهربانی نیست

(همان: ۷۵۷)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه مادری نامهربان است.

حوزه مبدأ: مادر نامهربان (انسان)

دنیا زنی است عشوه‌ده و دلستان ولیک با کس به سر همی نبرد عهد شوهری

(همان: ۸۰۷)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه زن بدعهد است.

حوزه مبدأ: زن (انسان)

دنیا در این نمونه‌ها مانند انسان مفهوم‌سازی شده است.

گر اهل معرفتی دل در آخرت بندی نه در خرابه دنیا که محنت آباد است

(همان: ۷۵۴)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه خرابه است.

حوزه مبدأ: خرابه (ساختمان)

دل ای رفیق درین کاروانسرای مبند که خانه‌ساختن آیین کاروانی نیست

اگر جهان همه کامست و دشمن اندر پی به دوستی که جهان جای کامرانی نیست

(همان: ۷۵۶)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه کاروانسرا و منزل موقتی است (تحلیل بر مبنای معنی

بافتی).

حوزه مبدأ: کاروانسرا (سفر)

در این نمونه، سعدی دنیا را مانند یک اقامتگاه موقت در سفر مفهوم‌سازی کرده

است.

دوام پرورش اندر کنار مادر دهر طمع مکن که درو بوی مهربانی نیست

مباش غره و غافل چو میش سر در پیش که در طبیعت این گرگ گله‌بانی نیست

(همان: ۷۵۶)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه گرگ است (تحلیل بر مبنای معنی بافتی).

حوزه مبدأ: گرگ (حیوان)

خدای سلطنتت بر زمین دنیا داد      زبهر آنکه درو تخم آخرت کاری  
(همان: ۸۰۵)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه زمین کشت و مزرعه است.  
حوزه مبدأ: مزرعه

در این بیت دنیا مانند زمینی حاصلخیز و مزرعه‌ای وسیع مفهوم‌سازی شده که قلمرو سلطنتی انسان است و ازسوی خداوند عالم به او عطا شده است تا در آن برای جهان آخرت توشه فراهم کند.

بهشت گرچه پر آسایش است و ناز و نعیم      جز آن متاع نیابی که خود فرستادی  
تو را سلامت دنیا و آخرت باشد      که بیخ خیر نشاندی و داد حق دادی  
(همان: ۸۰۴)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه بازار است (تحلیل بر مبنای معنی بافتی).  
حوزه مبدأ: بازار (اقتصاد و تجارت)

در بیت بالا، دنیا مانند بازار و محل خرید متاع و اجناس لازم برای بهشت موعود مفهوم‌سازی شده است.

دل مبند ای حکیم بر دنیا      که نه چیزی است جاه مختصرش  
(همان: ۸۹۵)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه شیء است.  
حوزه مبدأ: شیء بی ارزش (شیء)

به سکندر نه ملک ماند و نه مال      به فریدون نه تاج ماند و نه تخت  
پیش از آن کن حساب خود که تو را      دیگری در حساب گیرد سخت  
(همان: ۸۷۴)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه شیء است (تحلیل بر مبنای معنی بافتی).  
حوزه مبدأ: شیء ازدست‌دادنی (شیء)

نظر به چشم ارادت مکن به صورت دنیا      که التفات نکردند بر وی اهل معانی  
پیاده‌رفتن و ماندن به از سوار بر اسپی      که ناگهت به زمین برزند چنانکه نمائی

(همان: ۹۰۶)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه اسب است (تحلیل بر مبنای معنی بافتی).

حوزه مبدأ: اسب (حیوان)

در ابیات بالا، دنیا به‌مثابه اسبی سرکش است که اهل خرد به آن توجهی نمی‌کنند؛

زیرا می‌دانند که وابستگی به دنیا آنان را از آسایش در آخرت باز می‌دارد.

۲-۲ نمونه‌هایی از حوزه‌های مبدأ «دنیا» در قصیده‌ها و قطعه‌های پروین

جز گرد نکویی مگرد هرگز نیکی است که پاینده در جهانست

(اعتصامی، ۱۳۹۶: ۴۹)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه ظرف است.

حوزه مبدأ: ظرف، شیء دارای حجم (شیء)

از دام تن به نام و نشانی توان گریخت دام زمانه بود که نام و نشان نداشت

(همان: ۵۵)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه دام است.

حوزه مبدأ: دام، شیء صیادی (شیء)

تخت جمشید حکایت کند ار پرسی که چه آمد به فریدون و چه شد بر جم

(همان: ۱۰۴)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه شیء فانی است (تحلیل مبنای معنی بافتی).

حوزه مبدأ: شیء فانی (شیء)

کسی ز طعنه پیکان روزگار رهید که گاه حمله او سستی آشکار نکرد

(همان: ۷۴)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه پیکان و تیر است.

حوزه مبدأ: پیکان، تیر، شیء جنگ (شیء)

آنچه که دوران نخرد یکدلست آنچه که ایام ندارد و فاست

(همان: ۶۰)

استعاره مفهومی: دنیا به‌مثابه انسان بی‌وفاست.

حوزه مبدأ: انسان

تکیه بر اختر فیروز مکن چندین ایمن از فتنه ایام مشو چندان

(همان: ۱۱۲)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه انسان فتنه گر است.

حوزه مبدأ: انسان

کم دهدت گیتی بسیار دان به که بسنجی کم و بسیار را

(همان: ۴۷)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه انسان باتجربه و آگاه، اما خسیس است (همه تجاریش را

در اختیار قرار نمی دهد).

حوزه مبدأ: انسان

دزد ایام گرفتست گریبانت بس کن این بیخودی و سر به گریبانی

(همان: ۱۲۵)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه انسان دزد است.

حوزه مبدأ: انسان

گذشتگه است این سرای سپنجی برو بازجو دولت جاودان را

(همان: ۴۵)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه سرای سپنجی است (ساختمان).

حوزه مبدأ: ساختمان

من و تو بنده ایم و خواجه یکی است تو و ما را هر آنچه داد، او داد

هر چه معمار معرفت کوشید نشد آباد این خراب آباد

چون سپید و سیه، تبه شدنی است چه تفاوت میان اصل و نژاد

چه توان خواست از مکاید دهر چه توان کرد هر چه بادا باد

(همان: ۷۱)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه ساختمان خرابه است (تحلیل بر مبنای معنی بافتی).

حوزه مبدأ: ساختمان

ای آن که به من راستی آموزی      خود در ره کج از چه نهی پا را  
خون یتیم در کشی و خواهی      باغ بهشت و سایه طوبی را  
(همان: ۴۳)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه دوراهی است (سفر)؛ (تحلیل بر مبنای معنی بافتی).

حوزه مبدأ: سفر

کس در جهان مقیم به جز یک نفس نبود      کس بهره از زمانه به جز یک زمان نداشت  
زین کوچگاه، دولت جاوید هر که خواست      الحق خبر ز زندگی جاودان نداشت  
(همان: ۵۴)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه جاده و محل کوچ و رفتن است (سفر)؛ (تحلیل بر مبنای

معنی بافتی).

حوزه مبدأ: سفر

داری سفر به پیش و همی بینم      بی‌رهنما و راحله و زادت  
کرد آرزو پرستی و خود بینی      بیگانه از خدای چو شدادت  
تا از جهان سفله نه‌ای فارغ      هرگز نخواند اهل خرد رادت  
(همان: ۶۲)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه سفر است (تحلیل بر مبنای معنی بافتی).

حوزه مبدأ: سفر

به مراد کسی زمانه نگشت      گاه رفقی و گاه اکراهی هست  
(همان: ۱۶۴)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه شیء است (شیء متحرک).

حوزه مبدأ: شیء متحرک (شیء)

ز خرمن فلک ای دوست، خوشه‌ای نبری      که غنچه و گل این باغ بهر چیدن نیست  
(همان: ۱۸۳)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه شیء از دست‌دادنی است.

حوزه مبدأ: شیء از دست دادنی (شیء)

به رهش هیچ شحنه راه نیافت

دزد ایام دزد آگاهی است

(همان: ۱۶۴)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه دزد است.

حوزه مبدأ: انسان

ستیزه گر فلک، ای تیره بخت با تو ستیز

نمی نمود تو خود گر ستیزه گر بودی

(همان: ۲۵۶)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه ستیزه گر و جنگجوست.

حوزه مبدأ: انسان

شنیده‌اید که آسایش بزرگان چیست؟

برای خاطر بیچارگان نیاسودن

به کاخ دهر که آرایش است بنیادش

مقیم گشتن و دامان خود نیالودن

(همان: ۲۵۳)

استعاره مفهومی: دنیا به مثابه کاخ است (ساختمان).

حوزه مبدأ: ساختمان

بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد از مجموع ۲۲۹ استعاره مفهومی مستخرج مرتبط با حوزه مقصد «دنیا»، سعدی مفهوم‌سازی دنیا را در قالب ۵۳ حوزه مبدأ جزئی و یا ۱۱ حوزه مبدأ کلی و به عبارتی خاص‌تر بیان داشته است؛ اما پروین از ۱۷۶ حوزه مبدأ جزئی و یا ۲۹ حوزه مبدأ کلی برای این منظور بهره برده است. حوزه‌های مبدأ شیء، انسان، ساختمان، سفر، حیوان، دریا، مزرعه، اقتصاد و تجارت، جنگ و جهت‌های فیزیکی در اشعار هر دو شاعر دیده می‌شود. استعاره سرزمین و ملک تنها در اشعار سعدی یافت شد. حوزه‌های مبدأ باغ، معدن، قصه، جادو، کوه، دیو و اژدها، ورزش، چاه، خیمه و چادر، آتش، غذا، دشت، محکمه‌گاه، صاعقه، مکتب و مدرسه، کندو، گیاه، کمینگاه و ده تنها در اشعار پروین دیده شد. در جدول‌های شماره یک و دو، به بسامد استعاره‌های مفهومی حوزه مقصد دنیا در اشعار هریک از دو شاعر به تفکیک قصیده و



قطعه اشاره شده است.

جدول شماره ۱: فراوانی حوزه‌های مبدأ کلی برای مفهوم‌سازی دنیا در قصیده‌ها و

قطعه‌های سعدی

ردیف	حوزه مبدأ	تعداد در قصیده	تعداد در قطعه	مجموع
۱	شیء	۱۱	۸	۱۹
۲	انسان	۶	۳	۹
۳	ساختمان	۶	۰	۶
۴	سفر	۴	۱	۵
۵	حیوان	۱	۱	۲
۶	دریا	۱	۰	۱
۷	سرزمین و ملک	۲	۱	۳
۸	مزرعه	۴	۰	۴
۹	اقتصاد و تجارت	۱	۰	۱
۱۰	جنگ	۰	۱	۱
۱۱	جهت‌های فیزیکی	۲	۰	۲
	تعداد کل	۳۸	۱۵	۵۳

جدول شماره ۲: فراوانی حوزه‌های مبدأ کلی برای مفهوم‌سازی دنیا در قصیده‌ها و

قطعه‌های پروین

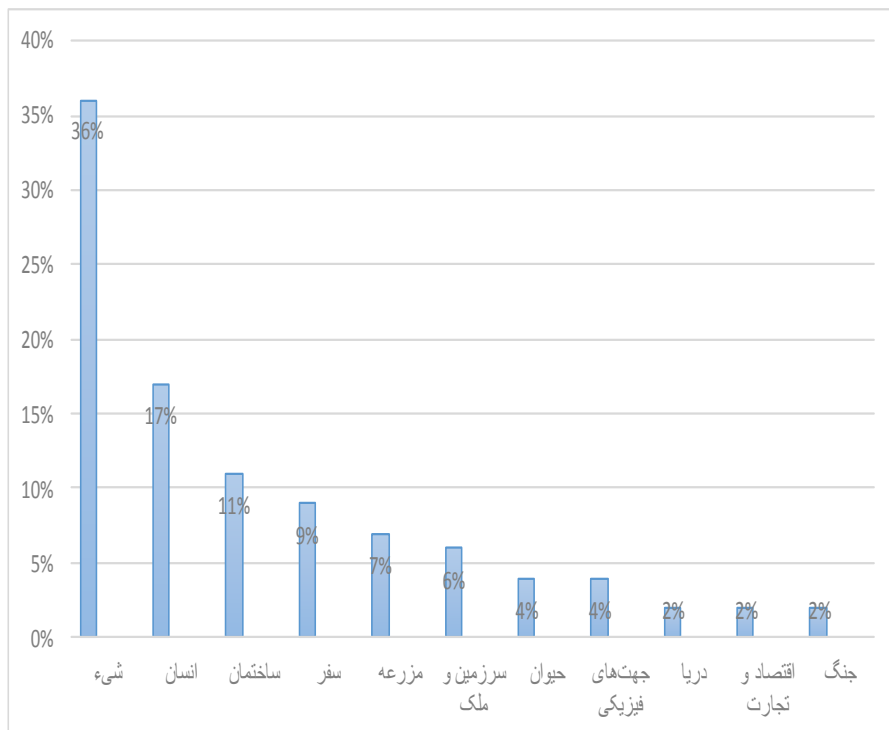
ردیف	حوزه مبدأ	تعداد در قصیده	تعداد در قطعه	مجموع
۱	شیء	۲۴	۲	۲۶
۲	انسان	۵۰	۱۲	۶۲
۳	ساختمان	۸	۲	۱۰
۴	سفر	۱۶	۰	۱۶
۵	حیوان	۷	۱	۸
۶	دریا	۵	۰	۵
۷	مزرعه	۳	۰	۳
۸	باغ	۳	۰	۳
۹	معدن	۱	۰	۱
۱۰	قصه	۱	۰	۱
۱۱	جادو	۱	۰	۱
۱۲	کوه	۴	۰	۴

۶	۰	۶	دیو و اژدها	۱۳
۳	۰	۳	ورزش	۱۴
۲	۰	۲	چاه	۱۵
۱	۰	۱	خیمه و چادر	۱۶
۲	۱	۱	آتش	۱۷
۲	۰	۲	غذا	۱۸
۱	۰	۱	دشت	۱۹
۲	۰	۲	اقتصاد و تجارت	۲۰
۲	۰	۲	محکمه‌گاه	۲۱
۱	۰	۱	صاعقه	۲۲
۲	۱	۱	مکتب و مدرسه	۲۳
۱	۰	۱	کندو	۲۴
۲	۰	۲	جنگ	۲۵
۲	۰	۲	گیاه	۲۶
۱	۱	۰	کمینگاه	۲۷
۱	۱	۰	ده	۲۸
۵	۱	۴	جهت‌های فیزیکی	۲۹
۱۷۶	۲۲	۱۵۴	تعداد کل	

همان‌طور که دیده می‌شود، برپایه جدول شماره یک، از ۵۳ استعاره مفهومی مستخرج از اشعار سعدی، استعاره مفهومی حوزه مقصد دنیا در قالب ۳۸ حوزه مبدأ در قصیده‌ها و ۱۵ حوزه مبدأ در قطعات دیده شد. طبق جدول شماره دو، از ۱۷۶ استعاره مفهومی مستخرج از اشعار پروین، استعاره مفهومی حوزه مقصد دنیا در قالب ۱۵۴ حوزه مبدأ در قصیده‌ها و ۲۲ حوزه مبدأ در قطعات دیده شد؛ بنابراین از مجموع ۲۲۹ استعاره مفهومی حوزه مقصد «دنیا»، ۵۳ استعاره مفهومی از اشعار سعدی و ۱۷۶ استعاره مفهومی از اشعار پروین مستخرج شده است که نشان می‌دهد سعدی نسبت به پروین از استعاره‌ها برای مفهوم‌سازی دنیا کمتر استفاده کرده است.

می‌توان گفت حدود نیمی از داده‌ها در اشعار سعدی و پروین دارای حوزه‌های مبدأ کلی شیء و انسان هستند (سعدی ۱۹ حوزه مبدأ کلی شیء و ۹ حوزه مبدأ کلی انسان و

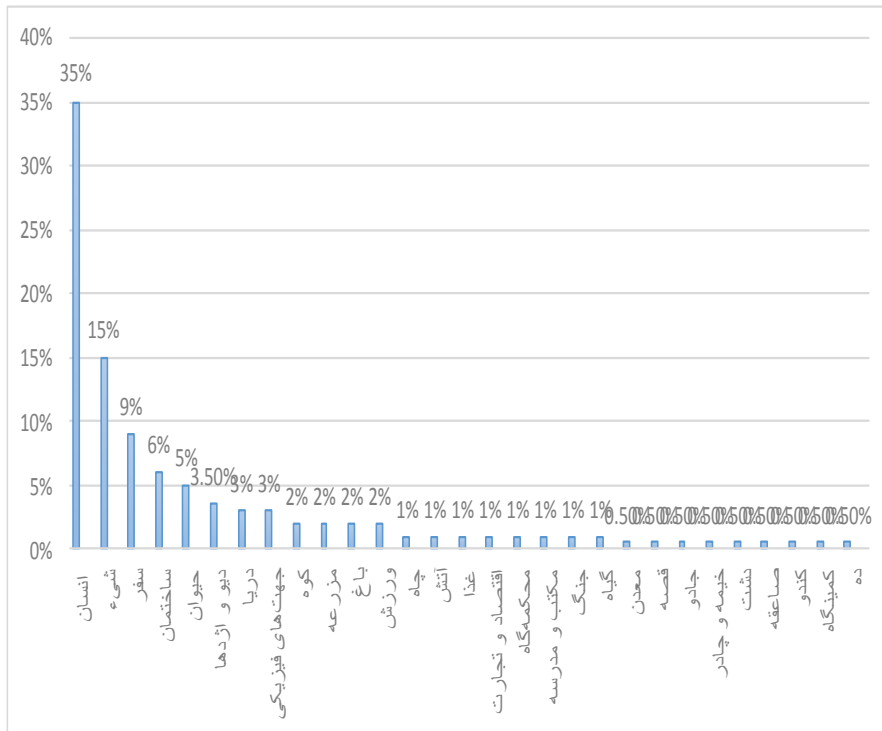
پروین ۲۶ حوزه مبدأ کلی شیء و ۶۲ حوزه مبدأ کلی انسان؛ البته در اشعار سعدی، داده‌های حوزه مبدأ شیء، به‌طور تقریب دو برابر تعداد داده‌هایی است که در حوزه مبدأ انسان رار می‌گیرد؛ اما در اشعار پروین تعداد داده‌های حوزه مبدأ انسان، بیش از دو برابر تعداد داده‌هایی است که در حوزه مبدأ شیء است و حوزه‌های مبدأ کلی ساختمان، سفر، مزرعه و سرزمین و ملک پربسامدترین حوزه‌های مبدأ (پس از شیء و انسان) در اشعار سعدی هستند. بررسی داده‌ها بیانگر آن است که در اشعار سعدی، بسامد وقوع مفهوم‌سازی دنیا با حوزه مبدأ «شیء» بیش از هریک از سایر حوزه‌های مبدأ است. این نکته در نمودار شماره یک نشان داده شده است.



نمودار شماره ۱: درصد فراوانی حوزه‌های مبدأ مفهوم دنیا در قصیده‌ها و قطعه‌های سعدی

در اشعار پروین، درکل چه در بخش قصیده‌ها و چه در بخش قطعه‌ها براساس داده‌های یافت‌شده، بسامد وقوع حوزه مبدأ «انسان» برای مفهوم‌سازی دنیا چشمگیر

است. سایر حوزه‌های مبدأ پربسامد در شعر او به ترتیب شیء، سفر، ساختمان، حیوان، دیو و اژدها، دریا، جهت‌های فیزیکی، کوه، مزرعه، باغ و ورزش هستند (نمودار شماره ۲ دو این موضوع را نشان می‌دهد).



نمودار شماره ۲: درصد فراوانی حوزه‌های مبدأ مفهوم دنیا در قصیده‌ها و قطعه‌های پروین

در ادامه به بررسی، مقایسه و تحلیل دقیق‌تر حوزه‌های مبدأ در اشعار دو شاعر می‌پردازیم. همان‌گونه که در جدول شماره سه دیده می‌شود، در اشعار سعدی برای مفهوم‌سازی دنیا حوزه‌های مبدأ شیء بی‌ارزش، شیء ازدست‌دانی، شیء ظرف، شیء متحرک و شیء روی آب با بالاترین بسامد یافت شده‌اند. بیشترین نوع حوزه‌های مبدأ شیء در قصیده‌های سعدی، شیء ازدست‌دانی، شیء ظرف و شیء متحرک و در قطعه‌ها، شیء بی‌ارزش است که احساس دل‌بسته‌نبودن به دنیا را در مخاطب برمی‌انگیزند؛ زیرا با پندهایی مانند دل‌نستن به دنیا، گذرابودن دنیا و منتهی به مرگ بودن دنیا همراه

هستند. شیء استتار، شیء فانی و شیء کوفتن و خردکردن، سایر انواع حوزه مبدأ شیء با بسامد کمتر در قصیده‌های سعدی هستند. ظهور واژه «پرده» و اصطلاح «رازهای پشت پرده» در استعاره مفهومی «دنیا شیء استتار و پرده است»، آشکارا به دنیای پس از مرگ و روز قیامت اشاره می‌کند. ازسوی دیگر داده‌ها نشان می‌دهد که پروین بیشترین حوزه مبدأ شیئی که برای مفهوم‌سازی دنیا به کار گرفته، حوزه مبدأ دام یا به عبارتی شیء صیادی است. این استعاره به‌طور مشخص هشداردهنده است و به لزوم هشپاری در برابر زرق و برق دنیا دلالت می‌کند. حوزه‌های مبدأ شیء فانی، شیء ظرف و شیء جنگ نیز دیگر حوزه‌های مبدأ با بیشترین بسامد هستند که فقط در قصیده‌های او مشاهده شد. همان‌طور که دیده می‌شود حوزه مبدأ ظرف از حوزه‌های مبدأ پرکاربرد است که هر دو شاعر آن را با بسامد تقریباً مشابهی برای مفهوم‌سازی دنیا به کار برده‌اند؛ البته پروین آن را تنها در قصیده‌ها به کار برده است. استعاره ظرف، محتوا و مرزبندی را برجسته می‌کند؛ بنابراین می‌تواند به مفهوم درون و بیرون برای دنیا و به عبارتی مفهوم دنیای مادی و دنیای ورای ماده و پس از مرگ اشاره داشته باشد. حوزه مبدأ شیء ازدست‌دادنی با بسامد وقوع همسان با سه حوزه مبدأ ذکرشده اخیر، هم در قصیده و هم در قطعه‌های پروین دیده شد. نکته مهم درباره حوزه مبدأ شیء ازدست‌دادنی آن است که این حوزه تنها حوزه مبدأ شیئی است که هر دو شاعر آن را تقریباً با بسامد وقوع مشابه، هم در قصیده و هم در قطعه به کار گرفته‌اند. این استعاره فرض را بر آن می‌دارد که هر دو شاعر، دنیا و مایملک دنیا را شایسته وابستگی و دلبستگی ندانسته‌اند؛ زیرا دیر یا زود از دست می‌رود. گفتنی است پروین از سایر انواع دیگر حوزه مبدأ شیء مانند شیء آلوده، شیء توخالی و پر سر و صدا، شیء کشتن و نظایر آن برای مفهوم‌سازی دنیا استفاده کرده است که بار معنایی منفی دارند؛ در عین حال انواعی مانند شیء ارزشمند و محدود، شیء ثبت اعمال، شیء نوشتن و نظایر آن، درک و تجربه‌ای از دنیا محقق می‌نماید که گویی چیزی هدفمند است و می‌توان آن را خرج کرد، هدر داد، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری و پس‌انداز کرد.

جدول شماره ۳: فراوانی حوزه مبدأ شیء به تفکیک نوع در قصیده‌ها و قطعه‌های سعدی

و پروین

مجموع	پروین		سعدی		نام شاعر نوع حوزه مبدأ	ردیف
	قطعه	قصیده	قطعه	قصیده		
۱	۰	۰	۰	۱	شیء استتار	۱
۵	۰	۱	۳	۱	شیء بی‌ارزش	۲
۳	۰	۲	۰	۱	شیء فانی	۳
۱	۰	۰	۰	۱	شیء کوفتن و خردکردن	۴
۵	۱	۱	۱	۲	شیء از دست‌دادنی	۵
۵	۰	۲	۱	۲	شیء ظرف	۶
۱	۰	۰	۱	۰	شیء موروثی	۷
۲	۰	۰	۱	۱	کشتی، شیء روی آب	۸
۴	۱	۰	۱	۲	شیء متحرک	۹
۳	۰	۳	۰	۰	شیء صیادی	۱۰
۱	۰	۱	۰	۰	شیء آلوده	۱۱
۱	۰	۱	۰	۰	شیء تو خالی و پر سر و صدا	۱۲
۱	۰	۱	۰	۰	سفره، شیء گسترده	۱۳
۱	۰	۱	۰	۰	شیء ثبت اعمال	۱۴
۲	۰	۲	۰	۰	شیء جنگ	۱۵
۱	۰	۱	۰	۰	شیء کشتن	۱۶
۱	۰	۱	۰	۰	شیء سنگین	۱۷
۱	۰	۱	۰	۰	شیء ارزشمند و محدود	۱۸
۱	۰	۱	۰	۰	شیء اسرارآمیز	۱۹
۱	۰	۱	۰	۰	شیء نوشتن	۲۰
۱	۰	۱	۰	۰	شیء کوبیدن و نرم کردن	۲۱
۱	۰	۱	۰	۰	شیء به ظاهر زیبا	۲۲
۱	۰	۱	۰	۰	شیء برای کشیدن حصار	۲۳
۱	۰	۱	۰	۰	شیء غربالگری	۲۴
۵۴	۲	۲۴	۸	۱۱	مجموع	

در حوزه مبدأ انسان، نکته توجیه‌برانگیز آن است که بسامد وقوع این حوزه مبدأ در قصیده‌های دو شاعر بیشتر از بسامد وقوع آن در قطعه‌های آنان است؛ هر چند تنوع استعاره‌های این حوزه مبدأ در اشعار سعدی ناچیز است. انسان بی‌وفا و زن دو نوع از حوزه‌های مبدأ کلی انسان در اشعار سعدی هستند که هم در قصیده و هم در قطعه‌های او تجلی یافته‌اند؛ اما انسان به‌طور عام و مادر نامهربان فقط در قصیده‌ها یافت شد. کاربرد استعاره‌هایی با حوزه مبدأ انسان در اشعار سعدی محدود است و به همین سبب کاربرد انواع انسان بی‌وفا و زن با بسامد نسبتاً بالا در شعر هر دو شاعر جالب توجه است و بیانگر نوعی هم‌راستایی ذهنی بین اندیشه‌های دو شاعر است. دزد و راهزن بیشترین نوع حوزه مبدأ انسان است که هم در قصیده‌ها و هم در قطعه‌های پروین به کار گرفته شده است. به‌کارگیری واژه‌هایی مانند بی‌نشان‌بودن و سبکساربودن برای ایمن‌ماندن از دزد ایام به مخاطب هشدار می‌دهد که باید به مال و اموال و زرق و برق دنیا بی‌اعتنا بود. انواع انسان مکار، انسان بی‌وفا و صیاد با بسامد وقوع یکسان پس از دزد و راهزن قرار دارند که تنها در قصیده‌های پروین تجلی یافته‌اند. هر سه استعاره مفهومی اخیر، ذهن مخاطب را برای تعلق‌نداشتن خاطر به دنیا و هشیاری در برابر آن آماده می‌کنند؛ زیرا ویژگی‌های منفی از دنیا را در ذهن تداعی می‌کنند. داده‌ها نشان می‌دهد پروین با انسان‌نگاری پدیده دنیا به مجموعه‌ای متنوع از استعاره‌های دنیا دست یافته است که هریک جنبه‌های متفاوتی از انسان یا نوع نگرش به انسان را دارا هستند و بدین ترتیب چگونگی درک از دنیا و چگونگی عملکرد نسبت به آن را در چارچوب انگیزه‌ها، ویژگی‌ها و فعالیت‌های انسانی مهیا می‌کنند. در اشعار او انواع حوزه مبدأ انسان شامل فتنه‌گر، آدمکش، ستمگر، دشمن، اهریمن، یاغی و نظایر آن با هدف بیدارگری، دنیا را در جامه انسانی با خوی و خصلت غیرانسانی ترسیم می‌کنند. او برای مفهوم‌سازی دنیا، انواع استعاره حوزه مبدأ انسان را در قالب مشاغلی مانند بافنده، استاد و معلم، تاجر سودجو، آشپز، طبیب غیرمتعهد، صراف، نویسنده و رنگرز متجلی کرده است تا با برجسته‌سازی ویژگی‌های محل مغبون‌شدن و محل تعیین سرنوشت آینده، به مخاطب در درک و فهم چرایی زیان‌هایی که دنیا می‌تواند برای انسان داشته باشد و لزوم هدفمندی و توجه به اعمال و رفتار برای دورماندن از آسیب‌ها کمک رساند.



همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد حوزه مبدأ ساختمان در استعاره‌های این دو شاعر بسامد بالایی دارد؛ با این تفاوت که سعدی حوزه مبدأ ساختمان را تنها در قصیده‌های خود به کار گرفته است؛ اما پروین آن را هم در قصیده و هم در قطعه به کار برده است. سعدی با استعاره‌های مفهومی «دنیا به مثابه خرابه است»؛ «دنیا به مثابه سرای سپنجی است» و نظایر آن، بی‌دوامی دنیا و خوشی‌های آن را یادآوری می‌کند و با استعاره مفهومی «خانه پرگندم» و اشاره به لزوم انجام کار نیک حتی به اندازه یک دانه جو برای رو سپیدی در آخرت، اعتقاد راسخ خود به جهان پس از مرگ را آشکار می‌کند. پروین نیز به‌طور مشابه برای مفهوم‌سازی دنیا با حوزه مبدأ ساختمان از انواع سرای سپنجی، ویرانه و نیز ساختمان پابرجا و ماندنی در برابر انسان رفتنی استفاده می‌کند و دل‌بستن به دنیا و لذات آن را کاری عبث می‌داند و راه دستیابی به دولت جاودان را نیاسودن برای خاطر بیچارگان در دنیا فرض می‌کند.

حوزه پرکاربرد دیگر، حوزه مبدأ سفر است که پروین نسبت به سعدی بیشتر از آن استفاده کرده و آن را تنها در قصیده‌هایش متجلی کرده است. استعاره «دنیا سفر است» به این واقعیت اشاره دارد که همان‌طور که سفر مسیری را مشخص می‌کند، زندگی در دنیا نیز هدفمند است. از طرفی همان‌گونه که انسان برای سفر نیازمند ملزومات سفر است، برای گام برداشتن به سوی زندگانی جاودان نیز به توشه و زادی نیاز دارد که در دنیا با انجام اعمال نیک باید جمع‌آوری کند. در حوزه مبدأ سفر، استعاره مفهومی دوراهی (راه راست و راه کج)، در شعر هر دو شاعر دیده شد. این موضوع بیانگر آن است که هر دو تلاش کرده‌اند براساس آموزه‌های دینی، ویژگی اختیار در نوع انسان را برجسته‌سازی کنند و اینکه جایگاه هر فرد در آخرت بستگی به اعمالی دارد که در دنیا انجام می‌دهد. از سویی به کارگیری استعاره‌های مفهومی «دنیا به مثابه راه تاریک است»؛ «دنیا به مثابه راه ناهموار است»؛ «دنیا به مثابه راه ناشناخته است» در شعر پروین دل‌نگرانی او برای نوع انسان را نمایان می‌کند. او می‌کوشد با ایجاد تنوع در مفهوم‌سازی دنیا به مخاطب خود هشدار دهد تا سهل‌تر به رستگاری برسد که از نظر دین و فرهنگ هدف زندگی است. استعاره‌های مفهومی «دنیا به مثابه راه آخرت است»؛ «دنیا به مثابه محل کوچ است»؛ «دنیا به مثابه راه است» و نظایر آن در شعر پروین، تداعی‌کننده موقتی بودن زندگانی دنیا هستند.

حوزه‌های مبدأ حیوان و مزرعه نیز از حوزه‌های مبدأ مشترک با بسامد نسبتاً بالا در شعر دو شاعر هستند. نوع حیوان به‌کاررفته در عبارات‌های استعاری سعدی، گرگ و اسب سرکش است. پروین علاوه بر این دو نوع، از زاغ و روباه نیز برای مفهوم‌سازی دنیا یاری گرفته است. باتوجه به ویژگی‌های بارز حیوانات به‌کاررفته در استعاره‌های مفهومی با حوزه مبدأ حیوان، ویژگی‌های درنده‌خویی، سرکشی و زشتی برای مفهوم دنیا بازنمایی می‌شوند. حوزه مبدأ مزرعه در قصیده‌های سعدی و پروین یافت شد. سعدی با اصطلاح استعاری دانه‌فشاندن، تأثیر کرم و عمل نیک را در دنیا برای رستگاری در آخرت یادآور می‌شود. پروین با اصطلاح استعاری مزروع تلخ یا شیرین تأکید دارد که هر انسانی در دنیا براساس عملکرد خود، نوع زندگانی پس از مرگش را رقم می‌زند و بنابراین توجه به اعمال و رفتار، نیکی به دیگران و انجام اموری از این قبیل در زندگانی دنیوی بسیار اهمیت دارد. این استعاره بازنمون تفکر مشترک دو شاعر درباره اعتقاد به آخرت است و اینکه نوع زندگی پس از مرگ در دنیا رقم می‌خورد. استعاره «دنیا به‌مثابه مزرعه است» در مذهب ریشه دارد و به حدیث نبوی «الدنيا مزرعة الآخرة» (مختاری، ۱۳۷۶) اشاره می‌کند.

حوزه مبدأ جهت‌های فیزیکی نیز از حوزه‌های مبدأ با بسامد تقریباً بالا در شعر دو شاعر است. استعاره‌های مفهومی «دنیا کم است»، «دنیا در عقب و پشت سر است» در شعر هر دو شاعر یافت شد و استعاره مفهومی «دنیا پایین است» در شعر پروین دیده شد. تشابه استعاره‌های مفهومی این حوزه مبدأ برای مفهوم‌سازی دنیا در اشعار دو شاعر تأییدی بر همسویی اندیشه و نگرش و نوع نگاه ایشان به این مقوله است. هر دو ارزش دنیا را کمتر از آخرت می‌دانند و دنیا را مقدم بر آخرت و محلی برای ذخیره‌سازی توشه آخرت فرض می‌کنند.

استعاره‌های مفهومی «دنیا به‌مثابه دریاست»، «دنیا به‌مثابه اقتصاد و تجارت است» و «دنیا به‌مثابه جنگ است» نیز در شعر دو شاعر یافت شد که باتوجه به بافت شعری آن‌ها، مفهومی منفی از دنیا را برجسته می‌کنند. بررسی استعاره‌های مفهومی غیرمشترک در اشعار دو شاعر نیز غالباً نمایانگر ناپایداری دنیا، لزوم دلبسته‌نبودن به دنیا، لزوم توجه به آخرت با سعی و عمل، دانش‌اندوزی، انجام اعمال نیک و نیکی کردن به دیگران برای رستگاری است.

## ۳- نتیجه‌گیری

این پژوهش براساس مطالعه کمی داده‌ها - ارائه‌شده در قالب نمودار و جدول - و با تحلیل‌های انجام‌شده درباره داده‌های پژوهش، به نتایج زیر دست یافت: سعدی مفهوم‌سازی دنیا را در قالب ۵۳ حوزه مبدأ جزئی (و یا ۱۱ حوزه مبدأ کلی و خاص‌تر) بیان داشته است؛ اما پروین از ۱۷۶ حوزه مبدأ جزئی (و یا ۲۹ حوزه مبدأ کلی) برای این منظور بهره جسته است. حوزه‌های مبدأ شیء، انسان، ساختمان، سفر، حیوان، دریا، مزرعه، اقتصاد و تجارت، جنگ و جهت‌های فیزیکی در اشعار هر دو شاعر دیده شد. استعاره سرزمین و ملک تنها در اشعار سعدی یافت شد. حوزه‌های مبدأ باغ، معدن، قصه، جادو، کوه، دیو و اژدها، ورزش، چاه، خیمه و چادر، آتش، غذا، دشت، محکمه‌گاه، صاعقه، مکتب و مدرسه، کندو، گیاه، کمینگاه و ده تنها در اشعار پروین یافت شد. بررسی‌ها نشان داد که در قصیده و قطعه و در مجموع در اشعار شیخ سعدی حوزه مبدأ شیء بیشترین بسامد را دارد؛ به همان ترتیب در اشعار پروین حوزه مبدأ انسان با بالاترین بسامد ظاهر شده است. برپایه داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت تفکر تعلیمی هر دو شاعر در ارتباط با مفهوم دنیا غالباً در قصیده‌ها تجلی یافته است.

براساس داده، سعدی نسبت به پروین کمتر از استعاره‌ها برای مفهوم‌سازی دنیا استفاده کرده است و به لحاظ تنوع استعاره‌ها برای مفهوم دنیا، پروین پیش‌تر است. البته این امر دال بر این نیست که سعدی در سبک تعلیمی خود به انتقال مفهوم دنیا به مخاطب توجهی نداشته است؛ بلکه کوشیده است با شیء‌انگاری دنیا و کوتاه‌ترین کلام، دیدگاه غالب خود را (شایسته‌نبودن دنیا برای دل‌بستگی) در این باره به مخاطب منتقل کند. براساس یافته‌ها، هر دو شاعر دنیا و زرق و برق آن را درخور وابستگی و تعلق خاطر ندانسته‌اند و به وجود دنیای پس از مرگ اعتقاد دارند. نتیجه ذکرشده با نتیجه پژوهش مراد و حسونند (۱۳۹۶) که پروین را دنیاستیز دانسته‌اند، به‌نوعی همخوانی دارد. سخن آخر آنکه استعاره‌هایی مانند «دنیا به‌مثابه مزرعه است»؛ «دنیا به‌مثابه راه آخرت است» و واژگانی مانند توشه و نظایر آن در اشعار دو شاعر، بازنمون این تفکر است که ایشان نوع زندگانی پس از مرگ هر انسانی را براساس عملکرد او در دنیا می‌دانند؛ نیز توجه به

اعمال و رفتار، نیکی به دیگران و انجام اموری اینچنین در زندگانی دنیوی را راه رسیدن به رستگاری در آخرت به شمار می آورند. یافته‌ها نشان می‌دهد نگرش و اندیشه دو شاعر نسبت به مفهوم دنیا تا حد توجه برانگیزی با یکدیگر همسوست و می‌توان گفت پروین در نگاه به دنیا از سعدی تأثیر پذیرفته است.

#### پی‌نوشت

1. Didactic literature
2. Conceptual metaphor
3. metaphor
4. George Lakoff
5. Langacker
6. Talmy
7. Geeraerts
8. Cognitive Semantics
9. Cognitive Grammar
10. Lakoff & Johnson
11. metaphors We Live By
12. Conceptual metaphor
13. philosophy in the flesh: embodied mind and its challenges to western thought
14. Kovecses
15. Yang
16. El-Amin
17. Mufeed

#### منابع

۱. استوار نامقی، سید محمد (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی مشترک رباعیات خیام و طلاس»، *ادبیات تطبیقی*، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره ۸، شماره ۱، ۲۱-۱.
۲. اعتصامی، پروین (۱۳۹۶)، *دیوان اشعار*، تهران: نشر ثالث.
۳. خراسانی، فهیمه؛ غلامحسین زاده، غلامحسین (۱۳۹۷)، «استعاره مفهومی: نقطه تلاقی تفکر و بلاغت در قصاید ناصر خسرو»، *فنون ادبی*، دوره ۱۰، شماره ۱، ۷۱-۸۴.

۴. سعدی، شیخ مصلح الدین (۱۳۸۱)، کلیات، نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی، تهران: نشر پیمان.
۵. صبوری، نرجس بانو؛ ذبیح نیا عمران، آسیه (۱۳۹۷)، «بررسی مفهوم‌سازی‌های "چشم" در غزلیات حافظ از دیدگاه شناختی»، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، دوره ۷، شماره ۲، ۱۱۵-۱۳۴.
۶. طالبیان، یحیی؛ سیدکاشانی، سیده نرجس (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی دایره در دیوان شمس مولانا و اشعار جان دان»، ادبیات تطبیقی، دوره ۱۱، شماره ۲۰، ۱۴۹-۱۶۳.
۷. عبیدی، حسینیه؛ رومیانی، بهروز (۱۳۹۸)، «استعاره مفهومی عشق در آثار نظامی»، زیبایی‌شناسی ادبی، دوره ۱۰، شماره ۴۱، ۵۳-۷۶.
۸. کارگر، شهرام؛ زارع، میثم؛ شعبانی، بهرام (۱۳۹۹)، «بررسی نقش نور در مفهوم‌سازی عشق در غزلیات حافظ»، مجله ادبیات و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، دوره ۲، شماره ۳، ۲۱۲-۲۳۴.
۹. گرجی، مصطفی؛ صارمی، محمود (۱۳۹۲)، «بررسی استعاره مفهومی "رفتن" در شعر قیصر امین‌پور برپایه معنانشناسی شناختی»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، دوره ۱۰، شماره ۳۹، ۱۳۳-۱۵۴.
۱۰. لیکاف، جرج؛ جانسون، مارک (۱۳۹۵)، استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم، ترجمه هاجر آقابراهیمی، تهران: نشر علم.
۱۱. مختاری، علی (۱۳۷۶)، «شرحی بر حدیث الدنيا مزرعة الآخرة از شهید ثانی»، فصلنامه پیام حوزه، شماره ۱۴، ۱۱۳-۱۳۱.
۱۲. مراد، ندا؛ حسنونند، امیر حمزه (۱۳۹۶)، «کاربرد استعاره دنیا در شعر پروین با رویکرد شناختی»، تهران: سومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، <https://civilica.com/doc/749047>.
13. El-Amin, M. (2017), "Conceptual metaphors of Love in 'Happy new year' - A poem by Suad Al Sabah", **US-China Foreign Language**, 15 (9): 582-592.

14. Evans, V. & Bergen, B. & Zinken, J. (2007), **The Cognitive Linguistics Readers**, USA: Equinox Publications.
15. Geraerts, D. (2006), **Cognitive Linguistics: Basic Readings**, Mouton De Gruyter.
16. Kovecses, Z. (2009), “Metaphor and Poetic Creativity: A Cognitive Linguistic Account”, **Journal Acta Universitatis Sapientiae, Philologica, University Eötvös Loránd**, 1 (2): 181-196.
17. Lakoff, G. (1993), **The contemporary theory of metaohor**, Cambridge: Cambridge University Press.
18. Lakoff, G. & Johnsen, M. (1999), **Philosophy in the Flesh: The Embodied Mind and its challenges to Western Thought**, Chicago: University of Chicago Press.
19. Lakoff, G. & Johnsen, M. (2003), **Metaphors we live by**, Chicago: University of Chicago Press.
20. Lee, D. (2001), **Cognitive Linguistics**, New York: Oxford University Press.
21. Mufeed, A. (2020), “Conceptual metaohors of time in sonnets of Shakespeare: A cognitive linguistic approach”, **English language and Literature studies**, 10 (2): 1-16.
22. Talmy, L. (2000), **Towards a cognitive semantics**, Cambridge, MA: MIT Press.
23. Yang, X. (2015), “Retracted: A Cognitive Poetic Approach to the Function of Metaphor”, China: **Journal of Advances in Literary Study**, 3 (3): 84-88.